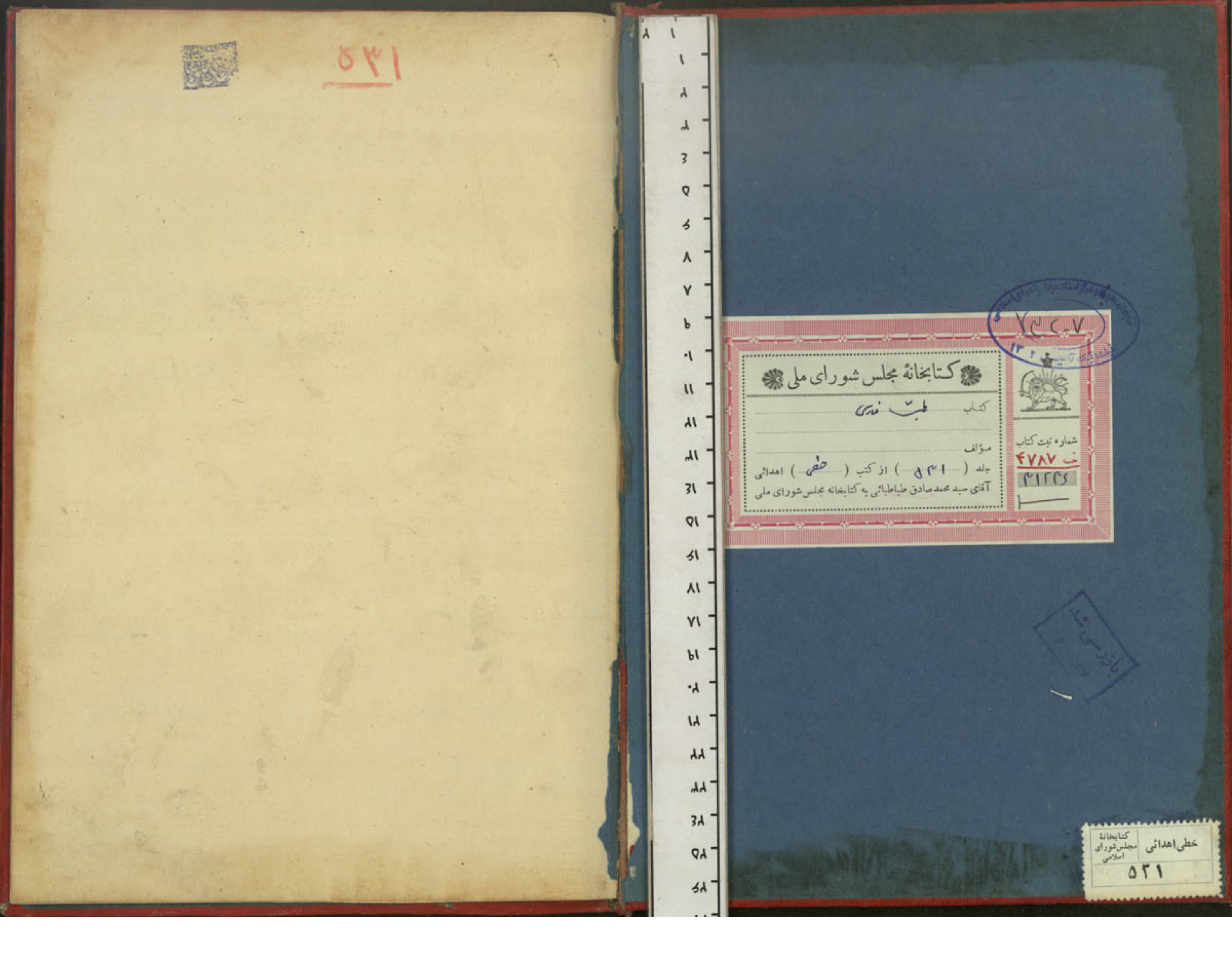
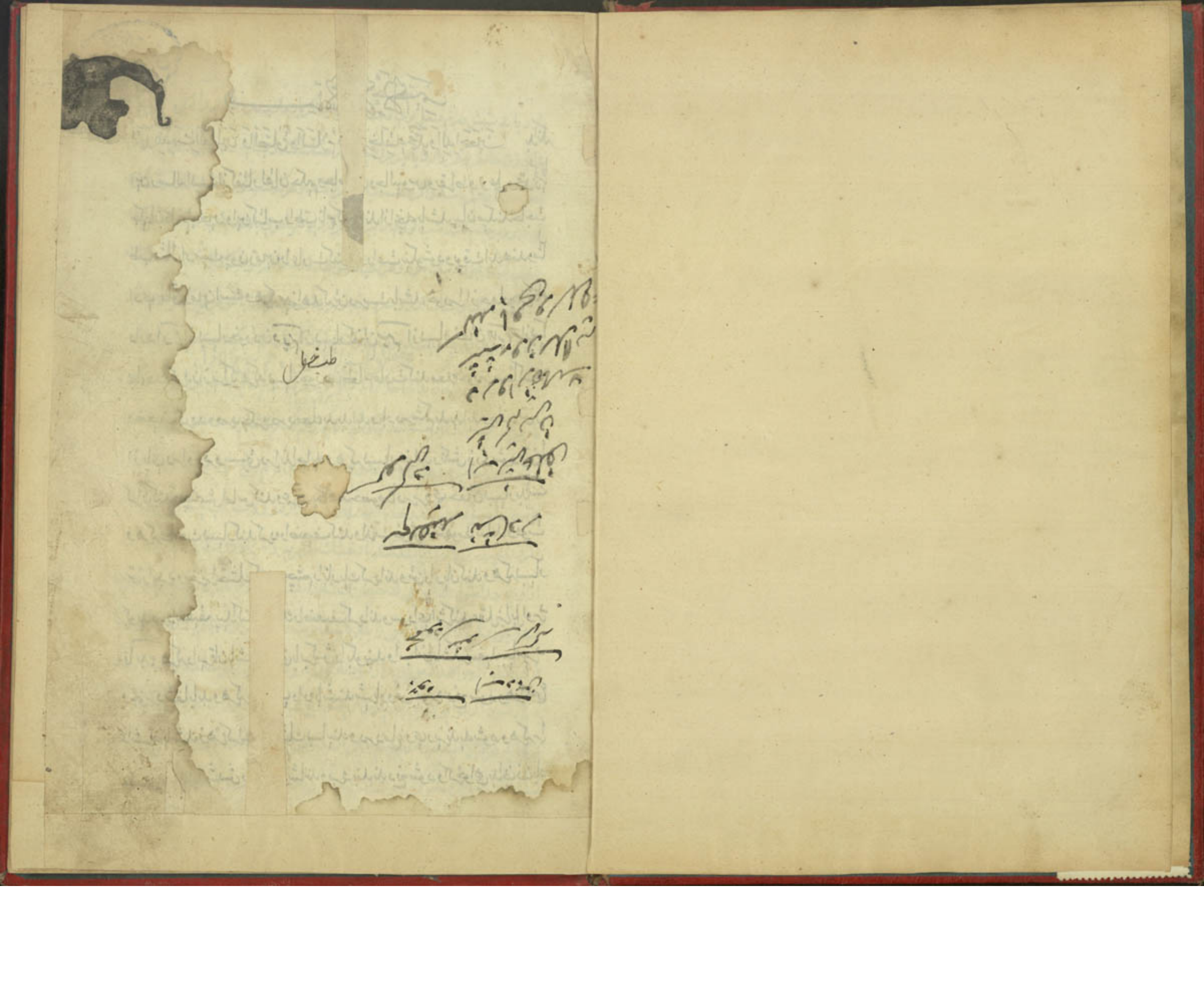


کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی اهدائی
۵۳۱



۵۳۱
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
کتاب طب فارسی
مؤلف
جلد (۵۳۱) از کتب (خطی) اهدائی
آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۴۷۸۷
خطی اهدائی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۵۳۱


٥٣١
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
کتاب طب فارسی
مؤلف
جلد (٥٣١) از کتب (خطی) اهدائی
آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۴۷۸۷
خطی اهدائی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
٥٣١



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین بدانکه
این رساله ایست از کفتار لقمان حکیم وجاماس وجالینوس وبقراط وبوعلی ومحمد زکریا
حکیمان کلهم اجمعین واین کتاب را طب نام کرده اند از انچه باشد بیان میکند حاجت
طب مثال ادمیت چون زمین را عمارت کنند زراعت نیکو شود وبوقت اید هند ومثال
ادمی تعلق زمین است وهرکه میخواهد که تن درست باشد خودرا از چهار چیز نکاه
دارد اول از بسیار خوردن دویم از بسیار کفتن سیم از بسیار خفتن چهارم از بسیار
مجامعت کردن زیرا که هرکه بسیار خوردن طعام عادت کند معده خودرا سست کند
وضعیف کردد ودرد جکر ودرد معده بدید اید وباد در شکم بدید اید وجان وتن را
از پای دراورد وسستی در اندام اید وهرکه بسیار بخوابد رنکش زرد شود وتن را
کران کند وچشمش اماس کند وعمرش بکاهد خصوصاً در روی خفتن بسیار بد است
وهرکه مجامعت بسیار کند کرده را ضعیف کند ولذت خوش از شهوت نیابد وقوت
تن را ببرد ومغز را خشك کند وچشم را تاریك کرداند وتن را زیان کند وهرکه بسیار
کوید درد شقیقه پیدا کند ومعده را ضعیف کرداند وسودای اثر کند عقل زایل اورد
فایده هرکه را یرقان باشد کاسنی یا برکش را بکوبند واب انرا باشکر سفید بیامیزد
وبخورد شفا یابد وهرکه را چیزی داده باشند شیر باروغن بخورد دفع شود وهرکه صرع
داشته باشد زهره کرك را بامشك بسایند ودر دماغ وی ریزند به شود وهرکه را
مقعد بیرون اید شبش بزرا بجوشانند وبر وبندند دفع شود واکر خواهی بدانی زن باد

دارد

دارد یا نه شش درم عسل بوی دهند تا بخورد اکر باد دارد درد شکم پیدا نشود واکر خواهی
بدانی زن حامله دختر دارد یا پسر برك چقندر خشك کند وبساید ودر دماغ وی ریزد اکر
عطسه اید دختر باشد واکر عطسه نیاید پسر باشد وهرکه شب کور باشد انار ترش باسیخ
بکوبد ودر چشم کشد شب کوری را ببرد وهرکه دیوانه یا صرعی باشد شب ادیشه شکنبه کرك
را غایب کند وبخورد نیك شود وهر زنی که خواهد زود حامله شود یکمثقال تخم اسفند سیاه
بساید وبا انکبین شاف کند وسه روز بخود بردارد وبعد از ان باشوهر جماع کند باردار شود
وهرکه را موی در چشم باشد موی را بر کند وخون کبوتر در چشم کند موی رفع شود هرکه را
محمد صادق الحسینی ... ۲ ع ربیع الاول
بوی بد باشد پودینه را بدانجا طلا نماید نیکو شود هرکه روشنائی چشم کم باشد سرکین
۱۳۳۱
کاو سرخ را بساید ودر چشم کند نیکو شود هرکه زخم کهنه باشد پوست بره را بسوزانند
وباروغن بیامیزد وقدری بخورد ودر اندام مالد زخم رفع شود هرکه را اب دهن دود
کاسنی با عسل معجون کند وبجاید اب رفتن را باز دارد وروشنائی چشم را سود دارد
اکر زن بچه در شکم مرده باشد کند نا خشك در زیر دامن او دود کند فرزند مرده
از وی جدا شود اکر خواهی که حیض بسته را بکشائی یکدرم انکبین با یکدرم اب معجون
کند وبخورد وکشاده کردد اکر کسی را بلغم باشد ترب را بسیار بخورد بلغم را دفع کند ومعده را
قوی کند اکر خواهد که موی دراز شود بادیون باروغن زیتون بجوشاند در موی مالند موی
دراز شود اکر خواهی که موی زیادرا از چشم رفع نماید چون خروس در روی چکانند دیکر
بر نیاید هرکه را اب سیاه در چشم امده باشد زهره کبك باز هره ماهی خشك کند ودر چشم
کشد انغلت برطرف شود وروشنائی چشم زیاد شود هرکه خواهد که از جائی موی بر نیاید

زهره بانشاسته بیامیزد در انجا مالد اما پاك كند دیگر موی بر نیاید هر كه باد در تن داشته باشد
مغز استخوان در از گوش در بدن خود مالد هر بادی كه داشته باشد رفع شود هر كه را
زهر داده باشند زهره بز باشیر گرم بخورد در حال شفا یابد هر كه را از جای خون بر اید پیه
بز را بسوزاند با روغن زیت بد انجا نهد شفا یابد هر كه را اندام ناسور باشد پیه افعی
مار و مرك موش و روغن سیاه دوش در ناسور مالد رفع شود اگر كهن سال بوده باشد
بر طرف شود اگر كسی را سحق یا بهق باشد ترنجبین با تخم ترب باب اندازد و بخورد
از ان علت خلاص شود هر كه را اكری باشد روناس را بكوبد و ابش سه نوبت در گوش
چكاند خلاص شود اگر زنی خواهد كه حامله نشود بنفشه را بكوبد با زهره كرك
فتیله بنیه ساخته و بر دارد هرگز حامله نشود هر كه را خون از بینی اید برك لاله با خورد
بلغار خورده بساید و در دماغ ریزد خون باز ایستد هر كه سفیدی در چشم باشد نجاست
ادم را خشك كند و بساید و در چشم كشد و ساعتی بخوابد رفع شود هر كه خارش
خشك باشد شلغم پخته كند و در گرما بر برد و بعد از دارو كشیدن بمالد خارش
بر طرف شود هر كه را خارش مقعد باشد یك دو دانه سیر و قدری اهك در مقعد مالد
خارش بر طرف شود هر كه را درد گوش باشد سیر را با زهره گوسفند بجوشاند و در گوش
چكاند شفا یابد هر زنی كه دیر بار نهد استخوان كبوتر را در زیر دامنش دود كند
در حال بار نهد هر كه را خارش چشم باشد سفیده تخم مرغ در چشم كشد خارش را
ببرد هر كه را بهق داشته باشد پیه بز را با دوشاب در او مالد به شود هر كه را
گوش درد كند ماهی در سر اتش نهد كه روغن از وی جدا شود و روغن را بگیرد

وسه بار در گوش چكاند شفا یابد هر كه را درد قولنج بوده باشد خون مرغ با انگبین با سركه بیامیزد
وبخورد رفع شود هر كه عود سوخته با نمك بساید و بر دندان نهد بیخ دندان محكم كند و بوی
دهن خوش هر كه ناشتا جماع كند زیان دارد و گرده را بی قوت كند اب سیاه در چشم بلند
اید هر كه را زهر داده باشند شكنبه كلنك را با روغن گاو بریان كند و بخورد شفا یابد هر زن
بچه در شكم مرده باشد شیر سك را با انگبین بیامیزد و بخورد در حال كودك از وی جدا
شود هر كه زهره ماكیان با مرداسنگ بیامیزد بوقت جماع كردن در ذكر مالد با هر كه
صحبت دارد عاشق و دیوانه گردد كه غیر دیگر را میل نكند اگر كسی اب شهوة او كم باشد
بی لذت جماعش پر غم شود عسل بایدش باشیر گرم بخورد و اگر كسی دارچینی را بكوبد
در هنگام شهوت در ذكر بپاشد و درون برد از جان و دل زن عاشق شود و دیگر زهره
كرك ماده و شب پره بسوزاند و خورد كند و هنگام شهوت بر ذكر مالد و درون برد
قوی گردد و چندان لذت دهند كه خوشنود گردد هر كه را درد شقیقه باشد اب پیاز
سرخ در دماغ چكاند درد را بنشاند هر كه ترخونی بخاید دهانش خشبو كند و تشنگی را
بنشاند هر كه ترخان را با زهره گوسفند حل كند بر اماس نهد به شود و اگر با نان بخورد مقعد را
قوی كند هر كه سردی داشته باشد یك مثقال كشنیز و یك مثقال شكر سفید بهم بیامیزد و بخورد
ان علت رفع شود و اگر كسی بی اختیار شاش از وی جدا شود اسفند را شیرین كند و سه
بار بخورد خوب شود در سیاهی موهر كه خون زاغ سیاه قطره در بینی چكاند هر كه موی
روی وی سفید نشود هر كه زهره زاغ سیاه در روی مالد خلقان از وی بترسند در سه
ماه هر كه موی خرگوش را در زیر دامن دود كند تا سه ماه بدی در وی كار نكند هر كه را بق داشته

باشد خون خرکوش در روی مالد بعد از ان باب بشوید بهتر شود هر که را بوی دهن بد باشد
زنکار با انکبین بیامیزد و میان دندانها کیرد بهتر شود هر که را ذکر کوچك باشد تخم ترب
با روغن تازه بریان کند و بر قضیب مالد بزرك شود هر که را در چشم سخت باشد
او را بیطاقت کند اسفند را با نبات و پوست تخم مرغ خورد بساید و در چشم کشد
رفع شود هر که حلوا از جهت فراخی و سردی بپزد باید که مغز فندق و مغز بادام بو داده
و جوز هندی و مغز پسته و خشخاش و کنجد بو داده و خشخاش سرخ و زرد و تخم اسفند
و بهمن سرخ و سفید و انجیر و میخك و کبابه چینی و شقاقل مصری زنجان و سولنجان هر یك
را سه درم بستاند و خورد بکوبد و با عسل معجون کند سه وزن اجزاها باشد و یك
وزن عسل باشد هر روز بناشتا بخورد و کرده را قوت دهد و شهوت را زیاده کند
و ادمی فربه شود و اشتها اورد و خشکی و سردی ببرد و بسیار منفعت دارد اکر
کسی را اب از بینی اید یکدانه خشخاش در اب ترکند در بینی چکاند بعد از ان روی بسوی
افتاب کند تا عطسه چند بزند و قدری روغن بنفشه یا بادام در بینی چکاند اب
برطرف شود اکر کسی را خون از بینی اید و باز نه ایستد پاره نمك و کافور خام خورد
بساید در بینی چکاند خون باز ایستد اکر کسی عون کفتار را بنام کسی افسون کند او را
دوست دارد و اکر عون کفتار را بنام هر که خواهد در دیك اندازد با چند نخد تا پخته
شود بان کس دهد تا بخورد البته کشاده شود و عاشق وی کردد و اکر عون کفتار با خود
دارد شهوت انکیزد مرد را حریص کرداند و هر که زهره کفتار در چشم کشد روشنی
چشم بیفزاید یا سك در اب تن شدن اکر ناف خرکوش با خایه اش خورد بساید و بخورد

و مرد با وی جمع شود ابستن شود هر زنی که هدهد را پنهان در شراب حل کند و بخورد باردار
شود زنی که خواهد باردار شود زنی که نخواهد زهره کرك را با دنبه تازه و قدری خرما و ملح
کیاه تر شافه کند و با خود بردارد و مرد چهار شب در پی با مرد جمع شود باید که از طعام سرد
و دوغ و از ترشی و سفیدی چند روز پرهیز کند اکر کوشت میل نماید کوشت شیشك
بخورد و هر بامداد دارو بها کرم در زیر زبان کیرد باردار شود هر که را خارش در اندام
باشد نیلوفر بکوبد و ابش را در خود مالد خارش از اندام برود و اندام را نرم کند
هر که را ناخنك در چشم باشد زعفران در چشم کشد ببرد هر که را مقعد بیرون اید
موی بز با پوست انار با سقالد بجوشاند و بر ان نجاهد بهتر شود و خون شکم باز دارد
هر که سرفه کند انجیر را بجوشاند و ابش بخورد رفع شود و شهوت زیاد کند هر که قی
بسیار کند شراب و پودنج بخورد رفع شود هر که دندان زرد شود صدف سفید و تخم
اسفند از هر کدام دو درم بکوبد و در دندان مالد سفید شود هر که را درد کوش
باشد پاره سرکه با انکبین با روغن کاو بیامیزد و دو قطره در کوش چکاند رفع شود
از جهت درد سر زهره بز را خشك کند و بکوبد و در چشم کشد هر که چشمش درد
نباید هر که برك جوز با مرداسنك و صندل بجوشاند و زیر بغل را بدان بشوید
موی سر دراز شود هر ان زن که خواهد حامله نشود نرکس بکیرد و پاره پنبه در ان
بر ان ترکند و شافه بسوزد و از ان وقت که مرد از وی جدا شود شافه را بخود بردارد
هر که حامله نشود هر که را اشاش کرفته باشد برك نرکس بکوبد و ابش در ظهار بریزد
در حال بکشاید هر که شاش او بند نباید هر که ناف پلنك را با خود دارد سك برو بانك

نکند هر کرا در چشم سفیدی باشد صدف را بسوزانند و خاکسترش در چشم کشد سفیدی چشم
ببرد هر کرا بلغم باشد روغن کرگدن با عسل معجون و بخورد بلغم را دفع کند هر کرا روغن
در جامه ریزد باب باقلا بشوید چون را ببرد هر کرا در معده کرم باشد زهره گاو کوهی
بساید با عسل معجون کند بخورد دفع شود هر زنی که شیر کم باشد بادیان و شیرخشت
بخورد شیرش زیاده گردد هر کرا آواز گرفته باشد شیر گوسفند را غرغره کند آوازش
کشاده گردد هر که دندان گرگ در گردن بندد دزدان از وی بگریزند اگر سرگین فیل را در
خانه دود کند جمله موشان از ان خانه بگریزند باب در صفت پلنگ اگر پوست پلنگ
در کمر بندد خوشخوان شود و حافظ گردد و اگر با کسی جوب کند ظفر یابد و اگر مغز
پلنگ بخورد در حال بمیرد اگر موی پلنگ را در خانه دود کند کژدم در خانه گذر نکند
باب در صفت گرگ هر که مصروع باشد دندان گرگ با خود دارد بهتر شود اگر دندان
گرگ بر پوست شیر بندد در گردن اسب بندد دوانده باشد اگر پوست گرگ را کمر سازد
و در میان بندد دلیر شود اگر استخوان گرگ در میان گله گاو نهند گرگ از ان نواحی بگریزد
و اگر چشم راست گرگ با خود دارد از هیچ چیز نترسد اگر گوشت گرگ را بخورد بینا
دانا شود اگر شاش گرگ با کشنیز و شکر بسایند و کسی که باد داشته باشد بدهند
تا بخورد شفا یابد اگر زهره گرگ را با روغن گل زرد در ابرو مالد با هر زن جمع شود
باردار گردد باب در صفت خوک اگر کسی را مار گزیده باشد جگر خوک را صد آب
بکوبد و بخورد هر که زاور ابول نگیرد و اگر پیه خوک را در خانه کسی مالد در آن دشمنی
واقع شود باب در صفت فرس اگر کسی را زخم بد باشد پوست فرس در او بندد به

شود

شود هر که گوشت اسب بخورد معده را قوی کند و شکم را نرم کند و قوت زیاده کند اگر کسی زبان
اسب را بخورد فصیح شود و اگر جائی که مو نداشته باشد مغز اسب با روغن یاسمن بیامیزد
در هر جا که خواهد مالد مو بر آید اگر کسی شیر اسب را بخورد رنگش سرخ شود اگر زن شیر اسب
با پنبه فتیله کرده با خود بردارد فرج او بغایت تنگ و گرم شود اگر کسی اسب را باب گرم براورد
و در گوش چکاند کرمها ببرد و اگر کسی سرگین اسب را گرم بر جراحت ببندد به شود و اگر زن
که دیر بار نهد سرگین اسب را در زیر دامن او دود کند زود بار نهد اگر شخصی را زیرپا بو کند
بجون اسب بشوید برطرف شود باب در صفت گفتار اگر کودکی بسیار گریه و آواز کند
محمد بن صادق الحسینی الاصفهانی
دندان گفتار در جامه او بندد به شود و اگر کسی دندان گفتار با خود دارد فربه شود و سگ
1 و سگ بوی ضرر نرساند و بانگ نکند اگر شخصی گوشت گفتار بخورد فربه شود اگر کسی کس
۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸
گفتار با خود دارد هر کس او را دوست دارد و مطیع او شوند چنانکه بیقرار شوند
در صفت هدهد اگر کسی را لقوه بوده باشد هدهد را کباب کند و بخورد باد لقوه را ببرد
و قولنج را بکشاید اگر منقار هدهد با کسی باشد گزندگان از وی بترسند اگر کسی مغز
هدهد را بخورد یا بکسی بدهد دیوانه شود اگر سرگین هدهد را بر اماس مالند به شود
نقل است از پیغمبر که در صحرای فرود آمدیم در آنجا گزندگان یکایک بسیار بود حضرت
فرمودند هدهد را بیاورند و آتش افروختند و پر بزرگ هدهد را در آتش نهادند
گزندگان گریختند بقدرت خدا تعالی اصحاب گفتند یا رسول الله باید که منافع هدهد را
بما بیاموزی حضرت فرمودند که هر که چشم راست هدهد را بر کودک بندد آن کودک هرچه
بیاموزد یاد گیرد و فراموش نکند اگر چنگال هدهد را بر زنی دهی تا بخورد هرگز بار نگیرد

واکر زبان هدهد را در میان دعوات هند یا بر بازو بندد هر که دشمن بر وی ظفر نیابد و کسی
خون هدهد را با غالیه بیامیزد و بر هر دردی که مالند شفا یابد و اکر مغز هدهد را با روغن
یاسمن بیامیزد در وقت جماع بر ذکر مالد هر چه خواهد بکند بیقرار کردد هر کس خون هدهد را
در چشم کشد سفیدی را ببرد اکر زبان هدهد را در بازو بندد کسی با او نتواند جنک کردن
هر که دل هدهد را از شکم بیرون اورد در حال بخورد هر چه در دل دارد بخواب بر بیند
اکر خون هدهد را بمشک بیامیزد و بهر کس که مالد عاشق وی شود باب در صفت استر
اکر مغز استر را زن بخورد بار نکیرد و اکر چرک کوش استر در میان چیزی کسی و بکسی
دهی تا بخورد در حال بیهوش شود باب در صفت دراز کوش هر که چند مو از دم او
بکشد و در ذکر بندد پس قضیب وی چون میخ شود اکر زن شیر زن را با پاره پنبه
کیرد ریش و زخمی که در رحم داشته باشد سود دارد باب در صفت خرکوره هر که
خرکوره را کوشت بخورد بادهای کرم را ببرد و قولنج را دفع کند و پشت را سود دارد
باب در صفت کاو هر که کوشت کاو را بخورد سرد است بلغم را قوی کند اکر خون
کاو را بر جراحتی مالد که خون زیاده اید باز ایستد اکر زهره کاو را در کوش چکانند
درد کوش بنشاند باب در صفت کوسفند اکر زهره کوسفند با دانه شفتالو بکوبد
و در مقعدی که بخوارد و کرم افتاده باشد بمالد رفع شود اکر شیر کوسفند با روغن
نرکس با کسی دهد که زهر داده باشند رفع شوند اکر کسی زهره کوسفند با عسل بیامیزد
و با روغن قرص کند و در زخم خولک هند دفع شود در صفت کاو کوهی اکر زهره
کاو کوهی را با روغن سجد بکوبد و زن بخورد بر کیرد بار دار شود اکر زهره کاو کوهی را

برچنکال

برچنکال خروس مالند بانک نکند اکر زهره او را در چشم کشد شب کوری را ببرد در صفت کوسفند
کوهی اکر کوشت او را دیوانه بخورد بهتر شود اکر زهره او را با کافور بسایند و در کوش چکانند
درد کوش را ببرد و درد دندان را نافع است در صفت بز کوهی اکر کوشت او را ادم بخورد
سود دارد و اکر استخوان او را ادم تب دار با خود دارد شفا یابد اکر سرکین بز کوهی با
انکبین معجون کند و هر که قولنج دارد بخورد سود دارد اکر زهره او را در چشم کشد
شوخی چشم را ببرد اکر پیه بز سرخ کوهی را بر ذکر مالد قوی شود در صفت اهو پوست
اهو را دعای محبت بنویسد در بازو بندد همه کس مطیع او شوند اکر کسی را کوش درد
کند پیه او را در کوش چکاند درد را بنشاند در صفت خرکوش اکر خون خرکوش در چشم
اب رفتن کشد رفتن اب را باز دارد و اکر خون خرکوش خشک و با غوره بساید
و در چشم کشد خارش چشم بنشاند اکر زهره خرکوش بر قضیب مالد با هر که مجامعت
کند دوستی افزاید اکر زهره خرکوش بر جای که مو بر نیارد بمالد مو بر ارد اکر مغز خر
کوش را در میان شراب با کسی دهی تا بخورد هر که مست نشود در صفت خار پشت
اکر کسی کوشت خار پشت را بخورد سپرز را دفع کند اکر خار پشت را بسوزانند بر ناخن
بندد بهتر شود اکر کسی را بول بستر باشد شکمبه خار پشت بخورد رفع شود در صفت
باز هر کسی خون باز خورد دلیر کردد و اکر سرکین باز را بر دنبل بندد بهتر شود در صفت
کلنک اکر خایه کلنک بر سرکین اب هند و بعد از چند روز بیرون اورد موی که سفید
باشد بمالد سیاه شود اکر کسی کوشت کلنک را بخورد قوت دهد بازی زیاده شود اکر
چشم راست کلنک را بجوشاند و بساید در چشم کشد او را خواب نیاید در صفت کلاغ

اگر زهرهٔ کلاغ را با زهرهٔ زاغ سیاه اندر کرباس بندد و بر ران بندد هر چند کر خواهد مجامعت
کند اگر گوشت او را بخورد بادها دفع شود و جادوی بر وی کار نکند و اگر زهرهٔ کلاغ را
بر موی سر مالد سیاه شود اگر کسی هدهد را با تخم گذرد و کارش پخته کند و بمردم دهد
تا بخورد مردم اندیدن او سر نشوند و همه کس دوست او شوند اگر کسی زبان هدهد را
با خود دارد و نان شکر بخورد حفظ او زیاده شود و اگر سپر او را دود کند هر سحری کر
دران خانه کرده باشند باطل شود اگر کسی بال راست او را با خود دارد هر حاجتی کر داشته
باشد روا گردد اگر کسی دل او را خشك کند و خورد بساید و در چشم کشد تاریکی
و سفیدی چشم را ببرد اگر کسی باد لغوه داشته باشد زهرهٔ هدهد را در او مالد یک هفته
در جایگاه تاریك بنشیند و دران چند یوم از دود و از رشیی و از سفیدی نگاه دارد
از آن مرض خلاص شود فایده در صفت کبوتر اگر خون کبوتر در چشم کشد درد چشم
را بنشاند اگر گوشت کبوتر را بخورد شبکوری را ببرد و آب رفتن چشم را باز دارد
اگر تره با ناشتا بخورد بلغم را ببرد و معده را قوی کند هر که پیاز خام بخورد درد شقیقه
پیدا کند و چشم را زیان دارد و پیاز پخته زخم را نفع دارد هر که خرما بسیار خورد
قوت را بیفزاید غوره سرد و خشك است خوردن آن درد معده آورد تا اگر آب باشد
قوت افزاید و صفرا بنشاند انگور شیرین گرم است و تر چون آب او را بخورند تن را فربه
کند و آب پشت زیاد کند و انگور ترش دل و جگر را خشك کند و مویز سرخ خوردن
معده را قوی کند و شهوت را زیاد کند خصوصاً کشمش خوردن فایده بسیار دارد .
در صفت سیب بدانکه سیب ترش سرد است و سیب شیرین گرم و تر است و خوردن

وی بسیار فایده دارد و درد دل را بنشاند و جگر را منفعت دارد و سیب ترش آب او زهر است
و زیان دارد و چون نارسیده باشد اما رسیده او صفرا شکن باشد و خوردن او از برای صفراوی
نیکو باشد در صفت انار شیرین میل بگرمی دارد و نرم کرده و صفرا را ببرد و پسته را نرم کند
و جگر را قوی کند اما از بسیار خوردن بلغم آورد از جهت گوش که از وی ریم آید عسل را نیم
جوش سازد و در گوش چکاند ریم را رفع کند هر که بوده بینه را با شکر بیامیزد با کرباس خمیده وار
گرفته بر پهلوی چپ بندد سپرز را دفع نماید هر که بوده بینه خورد معده را درد لش بنشاند
و باد را بکشند و قوت دهد و تشنگی جگر را بنشاند هر که کشنیز تر با بوده بینه و شکر سیلاب
و در پیشانی بندد و هر دو پای خود را در آب بگذارد سر پا ایستاده آب خورد و درد سر را
ببرد هر که یک مثقال شکر سفید با کشنیز خشك کند بهم بیامیزد و بخورد در جایگاه خود شاش
نکند و درد استخوان را ببرد حکما گفته اند گوشت گنجشك گرم و نرم است و تن مردم را نرم کند
و جماع را قوت دهد هر که را چشم خارش کند سفیدهٔ تخم مرغ را در چشم کشد خارش را بنشاند
هر که جماع کند از پی ترشی خورد درد گوش آرد هر که ماهی را در بالای آتش دارد و روغن
از وی جدا شود و آن روغن را در گوش چکاند نافع است هر که سرگین اسب را بسوزاند
و خاکش با روغن زیتون بیامیزد و بر علت کلی هندا اول او بدید آید اندر باشد بهتر شود هر که
در وقت خفتن یک شربت آب بپاشاند درد شقیقه را بنشاند هر گاه با مداد مویز سرخ را
دانه بیرون کند و بخورد صفرا و بلغم را بنشاند و حفظ را بیفزاید هر که عود سوخته با نمک
بساید و بدندان هندی دندان سخت کند و بوی دهن خوش کند و هر که ناشتا صحبت کند
معده آماس کند هر که سرگین موش یک درم بخورد از درد قولنج فارغ گردد هر که آب پیاز سرخ

در بینی چکانند درد شقیقه را دفع کند هر که خارش در مقعد داشته باشد تخم ترب بکوبد با شیر
تازه در او مالد بهتر شود و هر که خارش مقعد را یک عدد شافه کند خارش را بنشاند هر که را
درد گوش باشد زهره گوسفند بچکانند بجوشاند و روی چکانند نیک شود هر که حجامت کرده
باشد خون شستن بنام هر دو بنویسد و دود کند در میان ایشان فتنه پیدا شود اگر زنی
را حیض بسته باشد سیاه کند و شنبلیله بجوشاند و بخورد حیض او کشاده گردد اگر آب
پیاز را کدی مالد نیک شود اگر خایه موچه و زعفران و کف دریا در چشم کشد سفیدی
را ببرد هر که شیره اسفند با شراب بکسی دهد بیهوش شود اگر جسمی که آماس کرده
باشد بنفشه و زعفران با آب بکوبد و بنهد نیک شود اگر زهره بز سرخ در چشم کشد
درد او ساکن شود و سفیدی را ببرد اگر برگ زردالو خشک کند و با سرکه بیاشا
مد و در چشم کشد موی را ببرد هر که چون کبوتر در چشم کشد تاریکی را ببرد
و علاج قولنج موش را در آتش نهد خلاص شود اگر سرگین موش در پیش او دود
کند بهتر شود اگر کسی باد بر بیرون ها دارد سه پیه خوک را بگذارد و بر ظهار مالد او را
زایل کند و اگر زنی را حیض بسته باشد زهره گاو و زهره خرگوش بخورد بگیرد حیض
او کشاده شود و اگر زهره کبک را بگیرد و در سر هر ماه عادت کند و پاره در بینی
کند چشم روشن شود زنهار و تر چشم شود اگر کسی سرگین گاو پاره خشک کند
و بکوبد و بکسی دهد خون کلو باز دارد و اگر مازو و پوست انار خوشه بکوبد و زن بخوشانند
بر گیرد فرج بغایت نیک شود اگر برگ درخت انار بکوبد که بر جایی که کرم افتاده باشد
ریزد کرم بمیرد اگر دانه انار بسوزاند و با سرکه در چشم کند خارش را بنشاند الخبر کرم و سست

کواره را

کواره را سود دارد و خوردن او آب پشت را بیفزاید اگر کسی چوب اسفند بسوزانند
و خاکسترش بر جای که کرم افتاده باشد همه کرمان بمیرند شنبلیله معتدل است و خود را
گرم دارد و درد را ببرد و دماغ را لطافت دهد و دل را بنشاط آورد و معده را سود
دارد و اگر کسی را کژدم گزیده باشد سیر را بکوبد و با سرکه کهنه بدانجا بندد بهتر شود خوردن
سیر بلغم او معده را پاک کند و خوردن سیر خارش اندام و تاریکی چشم و صفرا را دفع کند
طبع سیر گرم و خوشک است و اگر سیر را آتش پخته کند و بخورد درد ناف را سود دارد اگر سیر را
با زهره گوسفند بجوشانند و در گوش چکانند درد گوش را ببرد در صفت زردک چون
پخته شود و بخورند ادرار را بگشاید و صفرا را ببرد و شهوت بسیار آورد و اگر زردک
با عسل همراه بخورد پشت و گرده را سود دارد و شهوت افزاید کندر پخته بلغم ببرد و در صفت
چقندر سینه را نرم کند اما قولنج را زیاد کند و کشنیز سرد است و طبع وی گرم نیکو است
و اگر بر آهن نهد درد را بنشاند اگر یک درم گل ارمنی و یک درم کشنیز را بکوبد و بخورد
بادهای گرم را سود دارد نان چیزیست گرم و خشک چون با شکر بیامیزند و ناشتا بخورند
هضم طعام شود و کرم شکم را ببرد و بلغم و بوی دهن را ببرد و آب دهن باز دارد و گرده
را قوی کند و آب شهوت را بیفزاید در صفت زعفران گرم و خشک است سردی را ببرد
و خوردن زعفران دل را شاد کند و اگر کسی باد در خایه افتاده باشد قدری زعفران
بمالد شفا یابد کافور سرد و خشک است هر که با آب بخورد و در دماغ چکاند خون رفتن باز
دارد هارون حکیم گوید هر که را درد پشت باشد پاره صمغ عربی و سداب در هم بجوشاند
با روغن زرد و زوفا بنات دوا او باشد و بخورد درد پشت ببرد اگر کسی را جای اماس بود

باشد سرکین کاو برابرو بندد بهتر شود جاماس حکیم کوید هر کرم را ازکام و نزله کرفته باشد قیطران را بساید
و در دماغ چکاند دفع شود بقراط حکیم کوید هر کرا درد دندان بوده باشد با نه بکوبید در اب بجوشاند
وان اب را در خود ما لد یاره در مقعد نهد بوقا نرا ببرد هر که از خون دواب سیر نشود با بد خشت
پخته را در اتش سرخ کند وان خشت را در دهان طاس اندازد تا بجوشاند بعد از ان ابرا بکذارد
تا سرد شود هر وقت که تشنه شود از ان اب بخورد تشنکی کم شود اکر کسی لاغر و رنک او زرد شده باشد
علت سیر بوده باشد باید که چهل درم سکنجبین هر روز هفت درم ناشتا بخورد تن را قوی
کند هر که طعام کرم خورده باشد در بی ان اب خورد بلغم او را زیان دارد هر که بیمه شب ایستاده
رغیوا ایستاده اب خورد بلغم او را زیان دارد هر که بیمه شب جماع کند زیان کند هر که ناشتا
جماع کند زیان دارد یا دلقوه پیدا کند هر کرا کری کوش باشد قطره زهره بز را در کوش چکاند
کو برابر در مان اکر کسی را در چشم سپیدی باشد نجاست ادمی را خشک کند با نمک بکوبد بساید
در چشم کند سپیدی را ببرد بقراط حکیم کوید هر که را درد کوش باشد زهره کاو را در اب اندازد
قدری از ان در کوش چکاند درد کوش ببرد هر که را در کوش کرم افتاده باشد پنج قطره
اب برک شفتالو با قیطران بیامیزد و در کوش چکاند درد کوش را ببرد و کرم بکشد
هر که را دندان ناسوده باشد پوست پسته را با کافور بساید و در ان جا نهد دفع شود اکر کسی را
کوشت زیادتی در بینی بوده باشد او را سولنک خوانند پوست انار و توتیا و مازو و زنجار
با هم بکوبد و در بینی بپاشد سولنک را ببرد اکر کسی را خون از دماغ اید و نه ایستد باید
که نجاست ادم خشک کند و خورد بساید و در بینی چکاند دفع شود اکر کسی علت بلغم
بوده کنه نار را باز دده تخم مو و جوز بویا نرا کند و ناشتا بخورد بلغم را ببرد و ذی لا

کودکان

بکیرد پستان او شیر کم باشد باید که شنبلد و پنیر مایه را بکوبد و سه روز ناشتا بخورد زیاده شود
نوعی دیکر تخم ترب را بجوشاند و ناشتا بخورد شیرش زیاده کردد هر کرا کلف باشد دارچینی را
بکوبد و با سرکه بجوشاند بر کلف بندد او را ببرد دیکر حکیم پرویز کوید سرکین کنجشک و اب
ترخان با سرکه ترش بیامیزد و بر کلف بندد او را ببرد هر که علت خوک داشته باشد تخم کتان
با سرکین کبوتر با سرکه بیامیزد بهم و بر خوک نهد او را ببرد اکر کسیرا درد سر داشته باشد
موبرا در کوش مالد درد را بنشاند هر کرا خون از کوش اید غوره با انکبین بیامیزد و در کوش
چکاند خون امدن از کوش باز دارد و کو را برطرف کند هر کرا درد دندان بوده باشد مورد را در بن
دندان کیرد نافع بود هر کرا خون از بن دندان اید بیخ و نفل سوخته و نمک سفید این همه را با هم
بکوبد و در بن دندان کیرد و درد را بنشاند و دندانرا سفید کرداند و خون امدن باز دارد
و بن دندان سخت کند زنی خواهد که بچه بیندازد برک سداب بر خود بر دارد بار نهد اکر زنی موی
ست باشد و خواهد بریزد تخم مورد را بسوزاند و خاکسترش با روغن زیتون بیامیزد و در بن
موی مالد محکم کرداند هر کرا بوی دهن باشد اجو بخیثر را در دهن کیرد بوی دهن بد را ببرد
و دهن را خوشبو کند زنی که خواهد بار نهد برک شفتالو را با برک صداب بکوبد و شاف کند
در بدن کیرد بچه در دم بیفتد و حیض بکشاید اکر کسیرا طپیدن دل باشد از زحمت خفقان و معده
ضعیف شده باشد سه درم مصطکی رومی سه روز هر روزی یکدرم بخورد معده را قوی کند
و علت را برطرف کند اکر کسیرا باد سرخ پدید اید اورا باقلا با ارد جو با دوق شسته همه را با هم
بیامیزد و بدان جا بمالد باد سرخ ببرد و بهتر شود هر کرا سردی و خشک باشد موبیز طایفی و روغن
بنفشه بریان کند و قرنفل در میان افکند و ناشتا بخورد رفع شود هر کرا اشکور باشد زهره

میش را خشك كند و بسايد و در چشم كشد شبكوري را ببرد هر كرا درد دندان داشته باشد پنج درم
فلفل را خورد كند و در بن دندان بپاشد رفع شود اكر كسي را سك ديوانه كزيده باشد موي سر
ادمي را بسوزاند با سركه بدان جا ببندد او را نكشد اكر شير درختان با روغن ياسمن بيامیزد و بر اماس
نهد رفع شود هر كرا ناخنك در چشم باشد دندان ادمي را خورد كند و با سركه باهم اميخته در چشم
كند ناخنك را ببرد هر كرا قولنج باشد علاج ان هر چند كند بر نشود شنبليد چهار درم تخم ترب
چهار درم نمك اينها را در ميان اب ريزد و بجوشاند و بعد از ان در بالاي ايشان دو درم
عسل و شش سركه اضافه كند و يك هفته ناشتا اين شربت را بخورد رفع شود جائي كه موي
بر نيايد كلاغ سياه را بكشد و تمام او را در كوزه اب نديده پنهان كند و در ميان سركين اسب
و غيره چندان بكذارد اكر كرم در وافتد بعد از ان بيرون اورد انچه كرم سياه در او باشد
برچيند و در سايه خشك كند و با روغن كنجد حل كند و هر جا كه مو بر نيايد بمالد مو بر ارد
هر زني كه خواهد بستن نشود زهره خركوش با مشك بخورد و فكري بر كيرد باشوهر جمع
شود ابستن نشود در صفت اسب اكر پشم اسب را بسوزاند و خاكستر با روغن زيتون
بيامیزد و بر جراحت ببندد به شود اكر زني خواهد كه بار نهد پشم اسب را بسوزاند
با روغن زيتون با خود بر كيرد فرزند جدا شود در صفت شتر هر كه مغز شتر را بر اچشم
نهد درد چشم ببرد اكر كسي كوهان شتر را پخته كند و بخورد بادها را ببرد هر كه سركين
شتر را در سر مالد ريش سر را ببرد اكر چشم شتر را بر جراحت مالد به شود زني كه كودك
وي در شكم مرده باشد سركين كاو بخورد در حال بچه بيفتد هر كه زهره كوسفند را بر ابرو
مالد سياه شود و استخوان ميش در چشم كشد درد را ببرد هر كه شير دان خركوش برابر

كند

كند و بخورد زن دهد و در حال با او جمع شود اكر خروش نر باشد پس بياورد و اكر ماده باشد دختر
بياورد اكر سركين خركوش را زن با خود بر كيرد ابستن شود در منافع خرچنك را بسوزاند
و خاكستر را با اب تر كند و بكسي دهد كه بولش كرفته باشد بخورد يا بر ذكر مالد كشاده شود
اكر خرچنك سوخته را بر ناسور مالد به شود انكاه خورد بسايد و در چشم كشد روشنايي
چشم را زياد كند و اب سياه از چشم ببرد در منافع خروس جاماسب حكيم كويد خروس
كه بالش زرد باشد در خانه نكاه دارد شتن نيكو بود از ديو و پري و جادو و پان خانه ايمن باشد
اكر كسي را مار كزيده باشد خروس زرد را بدو نيم كند و در انجا بر بندد به شود اكر پوست
خايه خركوش را خورد بسايند و از جو بر بكذرانند و در چشم كشد سفيدي چشم را ببرد
اكر كوشت كنجشك بريان كند و بخورد تب را برطرف كند و باد لقوه را رفع كند اسكندر
رومي كويد هيچ كوشت در بدن ادمي بهتر از كوشت كنجشك نيست اكر كسي بادي باشد
كشنيز بخورد باد را رفع كند و خون را صاف كند اكر بسيار خورد خون را بسوزاند و هزار
زيان دارد و شهوت را ببرد هر كرا خون از شكم ايد تخم مورد با روغن كل بزند و سيخ و نبات
و شير خشت در هم كند و سه روز بخورد رفع شود اما شيرخشت بسيار بايد كرد اكر كسي را
موي ريخته باشد هليله بسوزاند و با سركه بكوبد و با روغن زيتون بيامیزد و هر جا كه موي
ريخته باشد بمالد درد سر را ببرد هر كرا كوش درد كند اب كشنيز تر و اب پياز و زعفران بيامیزد
و فتيله كند و در كوش نهد درد كوش را ببرد در تشخيص مرضها از كفته لقمان حكيم هر كه بامداد
از خواب برخيزد دهن او تلخ بود از صفرا بود رنج او از كرمي است و خشكي بود رنك او زرد است
و علاج او ترشي و شيريني معتدل بود باو دهند رفع شود هر بامداد برخيزد دهن او تلخ و شيرين

بود ریخ اوخون است علاج انست که حجامت کند یا رگ زند هر که بامداد برخیزد دهانش ترش
بود علامت سودا است علاج ان چوب وشربت بود هر کرا بامداد برخیزد دهانش ناخوش و بی مزه
بود اندامش سست علاج او انست که داروی مسهل بخورد تا قی کند از علت پاک شود اگر کسی را
هزار پای در گوش رفته باشد قدری شیر گاو و قدری بیخ چوب زرشک با یکدیگر بجوشاند
تا حل شود و در کوزه بریزد چنانکه گرم باشد و گوش انکس را بدهن کوزه نهد تا بخار بگوش دود
که بگرمی اش رسد با هزار پای بیفتد و بهتر شود زنی که خواهد که ابستن نشود روغن تخم یاسمن
وخردل و نشادر و نمک با انگبین بیامیزد و شافه کند و با پشم شتر با خود بر دارد ابستن
شود در صفت گاو اگر زهره گاو و اب ماز و روغن بادام در گوش چکاند درد گوش را
ببرد اگر زهره گاو را در اب کنی و در خانه بپاشد جمله کژدمکان از ان خانه بگریزند اگر کسیرا پیکان
تیر در بدن مانده باشد سرگین گاو را با روغن بجوشاند و بر وبندد پیکان بیرون اید
اگر صداب با روغن نیلوفر و انگبین را معجون کند و هر روز ناشتا بخورد سستی قضیب را
ببرد و باد لقوه باز دارد هر کرا خون از دماغ اید سماق زرد و بلغار و نمک طبرزد برانش
نهد خون رفتن باز دارد هر کرا خون از دهن اید شنبلید و رازیان و مغز جوز با هم
بکوبد و سر شاند روز در دهان بگیرد دفع شود هر کرا اهن یا ابگینه یا مانند این
در بدن رفته باشد سرگین گوساله با روغن گاو بدانجا نهد بهتر شود اگر کسی پیوندها
درد کند مغز گوسفند با گل سرخ بیامیزد و بخورد نیک بود اگر زنی بچه دانش درد کند
پشکل گوسفند با روغن مرهم کند و با پشم با خود بر گیرد بهتر شود جاماس حکیم گوید هر کرا
دندان زرد بوده باشد یا دهن ناخوش بود برگ صداب و نمک بدندان نهد سفید و دهانش

طعم دار شود هر ان زنی که دشوار زاید حریف سیاه و جو شیر و زهره گاو شافه کند و بر دارد بچه اگر مرده باشد
و اگر زنده باشد بیفتد هر کرا با اهل خود قادر نباشد خبر کرا خشک کند بر ذکر مالد و با زن جمع شود
باردار شود هر که زهره ماکیان با مرداسنگ بیامیزد بر قضیب مالد هر چند که خواهد جماع کند
هر که زهره خرگوش در ذکر مالد در وقت جماع کردن زن او را دوست دارد هر کرا بوی دهن باشد
بوده بینه خشک کند و دهن را بشوید رفع شود هر کرا چشم تاریکی کند سرگین گاو سر خر ابر چشم کند
رفع شود هر کرا سردی باشد گرده کان با عسل بخورد شفا یابد هر که اسفند را بسیار خورد ریگ
مثانه را دفع کند و روشنائی چشم را زیاد کند اگر برگ کاسنی را بر اماس نهد درد را بنشاند
هر که کندنا را بسیار خورد معده را قوت دهد اگر زنی را بچه در شکم مرده باشد کندنا را در زیر
دهن او دود کند بچه جدا شود و حیض او کشاده گردد هر که سر خروس را در طعام کند و بخورد
فربه شود هر کرا موی در چشم چون خروس را در چشم کشد دفع شود هر کرا استخوان خروس را بر پا
بندد شفا یابد هر کرا از گوش کبر سیاه سه قطره خون بگیرد و با مالیده بیامیزد و بخورد فربه شود
پی مرغ را با روغن و شیرخشت در طعام کند و بخورد فربه شود و روشنائی چشم را زیاد کند و دفع
صفرا و بلغم شود و درد سر را دفع کند داروئی که فرج را تنگ گرداند بگیر پوست شقال و پوست
خو و خو چنک این هر سه را ابو خستر و کوفته و با روغن یاسمن ممزوج نموده هر یک ماه یک درم کوفته
و با روغن مزبور بوقت حاجت بکد انک ازان بخویشتن بر دارد و هر ماه سه بار و هر هفته یکبار
مرد را لذت دهد و زنان را چنان کند که پنداری دوشیزه است از غایت تنگی اگر کسی چشم از باد
درد کند مغز استخوان گوسفند را در چشم کشد بهتر شود اگر سم اسب را در زیر دامن حامله دود
کند زود بار نهد اگر کسی اندام درد کند بمالد بهتر شود هر کرا خون از بینی اید پنیر را با سرگین خر

کند وبوراخ بینی هند خون باز ایستد اگر کسیرا درد سر باشد اب کشنیز وکلاب وسرکه بر پیشانی مالد وکسی
دماغ دینرد دفع شود هرکه از کزنده بترسد برای ضماد باروغن بجوشند ودرد دماغ واندام دینرد
کزنده ازو بکریزد هرکرا درد سرد بوده باشد سرکه را باکلاب بجوشانند وناشتا بخورد دفع شود
اگر کودکی را درد شکم ودرد زهار بوده باشد برای ضماد وروغ وزیره وبرا زیانه باهم معجون
کند وهر صباح ناشتا بخورد بهتر شود داروئی که فرج تنک باشد بکیرد شکر وزعفران ومشک
وفلفل از هرکدام جزئی وشراب ریحان دردسر چهار جوش دو پاره جامه کتان دران
انداز دو پاره جامه نکاهدارد تا بوقت حاجت انجامه را فتیله کند وباخود بردارد وپیش از
جماع یک شبانه روز نکاهدارد فرج تنک کند وزنی که حیض او بسته باشد زهره کاو
سرخ وروغن خرکوش با بول مرد بکذارد وبا سرکه بهم امیزد وقدری بخورد وقدری بخود
برداری حیض او کشاده شود واین تعویذ را بنویسد وباخود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
وما لم یکن اشهد ان لا اله الا الله علی کل شیء قدیر ان الله قد احاط بکل شیء علما هرکه ترب
واب کاهو هر دو باهم بیامیزد وغرغره کند اوازی که بسته باشد بکشاید وبلغم را ببرد ومعده
راقوی کرداند وصفرا را ببرد وهرکه تخم ترب بکوبد وباشیر بیامیزد بر کلف مالد کلف از وی
ببرد محمد ذکریا کوید هرکه ترب بسیار خورد خوشکی را زیاده کند وخارش اندام زیاده کند
هرکه چقندر بسیار خورد سینه را نرم کند وصفرا وبلغم را زایل کند اما قولنج بکشاید
وزیان دارد وسرد مزاج است اگر کسی اماس بدید اید برای چقندر را بجوشانند
وبر اماس نهد درد را بنشاند وخون داهم را پاک نماید ومنفعت بدیدا ورد جالینوس
حکیم کوید که سیر منفعت عظیم دارد اگر کسی سیر تر خورده باشد وزر اکرها بر

وزانکیرد وزهر بروی کار نکند واگر کسیرا مار بکزد سیر را بکوبد وبر زخم مار نهد درحال درد را بنشاند
وزهر بروی کار نکند هرکرا قضیب سست بود سیر را با روغن بریان کند وبخورد هم باد را بشکند
وهم قضیب را سخت کند وبیخ بیخ قضیب مالد سخت کند وسستی ازوی ببرد علیسی کوید هرکه
سیر با روغن بریان کند وبخورد هم باد را بشکند وهم سود دارد هرکرا درد دندان از باد درد کند
سیر باتش بریان کند ودر زیر دندان کیرد درد را بنشاند هرکه شیر پخته خورد کرم ادرشکم
بکشد وسود دارد واگر پوست سیر را بسوزانند وبروغن زیت بیامیزد در جائی که موئی درفته
باشد بمالد موئی دارد اگر دانه سیر بریان کند وبا روغن بمالند وبزیر خود کیرند خارش مقعد را
بنشاند محمد ذکریا کوید یکدرم پوست سیر کران با سپیشافر برکیرد درحال قولنج را بکشاید وباد کرانه
بوده ببرد بقراط کوید هرکه سیر بسیار خورد معده پاک شود ولرزیدن دست وپا ولقوه را
ببرد وسستی اندام را زایل کند وباد زهار را ببرد اما صفرا انکیزد ودرد شقیقه وخارش اندام
بدید اید وخون را بسوزاند جالینوس کوید هرکه سیر در اتش افکند تا پخته شود وبخورد باد بواسیر
ببرد ودرد ناف وزهار را بنشاند وهرکه اب سیر با زهره کوسفند بجوشاند ودر کوش چکاند کرانی
کوش را ببرد ملاین راضی کوید هرکه کرسب را بجوشاند وبخورد طبع نرم کند وقولنج را بکشاید اگر
کرسب را بریان کند وبا نمک بخورد وقت شراب خوردن مست نشود وهیچ بوی نرسد اسحق
کوید هرکه پیاز خام خورد درد شقیقه اورد وچشم را تاریک کند وسودا انکیزد اما بلغم را ببرد
ومعده را پاک کند وشفا وراحت یابد بوعلی کوید هرکه پیاز را با انکبین بیامیزد ودر جائی که موی
بر نیامده بمالد موئی ارد هرکه پیاز را با کوشت بریزد وطر پوست از وبکار دارد شهوت جماع را
قوت دهد وکرده ومثانه را قوت دهد وباد را از تن ببرد وقوت را زیاده کند اسمعیل کوید

هر که پیاز را با آتش بریان کند و نکر بروغن گاو بپزد و بر ناسور نهد ناسور دو ساله را ببرد و خون آمدن
از و باز دارد و منفعت بسیار بدیدار د پیاز پخته بلغم را در معده کم کرد او برد و ببرد و پیاز با سرکه
در گرمابه نیک است و بر خویشتن مالد که بهرا ببرد شد ریستی و صداقت بدیدار د صاحب
قوت گوید اگر تخم پیاز با روغن بریان کند و با شکر سرخ بخورد بادی که اندر خایه باشد
ببرد و هر که ناشتا کندر پخته خورد او را بگشاید و صفرا را ببرد بغایت نافع باشد هر که
با انگبین بخورد شهوت جماع را زیاده کند و قوت بیفزاید اسحق گوید هر که کندر و مویز را
بجوشاند و آبش را صاف کند و بخورد رگ بواسیر را ببرد و بادهای فاسد را از تن جدا
کند هر که تخم کندر را در زیر دامن خود دود کند کودکی که در شکم مرده باشد بزیر آید
ابراهیم گوید هر که برگ کدو بکوبد و در خویشتن مالد خارش اندام را ببرد و آسایش
و راحت بدیدار آورد هر که پوست کدو بکار دارد پخته با خام عجب دارم که اگر ده کنیزک داشته
باشد همه خوشنود کرداند جالینوس گوید هر که لبسا در خورد بواسیر را زیان دارد و چشم را
تاریک کند اما بلغم را ببرد خداوند قولنج را زیان دارد اگر صمغ عربی را با آب تر کند و در اماس
بندد اماس را بنشاند و درد ساکن شود هر که صمغ عربی تر کند و بر پای ترکیده بمالد سود
دارد البشر مراد گوید هر که ریواج خورد صفرا بنشاند و زهره را قوت دهد و خون را صاف
کند و یرقان را ببرد هر که تخم ریواج را بجوشاند و اندر گرمابه مالد ببرد تن را درست کند هر که ریواج
بکوبد و آبش را اندر موی مالد سیاه شود و چون قوت اسفید شود بقراط گوید هر که بنفشه
با شکر بخورد صفرا را بنشاند و تب را ببرد و هر که را درد چشم باشد و اماس کرده بنفشه را
بکوبد با گلاب در چشم طلا کند اماس چشم را بنشاند و بغایت منفعت یابد هر زنی که بنفشه را

بکوبد

بکوبد و با زهره گرگ بیامیزد و آنگه فتیله بدو بیالاید و بر خود کشد راه فرزندش بسته شود و دیگر فرزندش
نشود حدائق رازی گوید هر که نرگس بسیار ببوید مغزش قوی شود و خواب خوش آورد هر که روغن
نرگس بر قضیب را سخت کند و قوت افزاید و زنی که آبستن نشود نرگس بکوبد و فتیله را با آب نرگس
تر کند و در آن وقت که مرد با وی صحبت کند بر کشد و چون صحبت کند آبستن شود هر که آب نرگس را
در چشم کشد شب کوری که هست را دفع کند هر کس نرگس را بکوبد و در زهر مار بندد تشنگی را زایل
و جالینوس حکیم گوید البته نباید که در خانه که نرگس بود چون وقت آمدن آب مرد باشد اگر مرد را چشم
بر نرگس افتد آبش بسته شود چنانکه توان گشادن بقراط گوید که هر که آب لاله بر سر کند درد شقیقه را
ببرد و شب کوری را بغایت نیکو باشد هر که لاله را بجوشاند و اندر موی مالد موی را سیاه کند و درخشنده
کرد هر کس برگ لاله را بکوبد و آبش اندر پیشانی مالد خون آمدن از بینی باز دارد اگر سپر کلنگ را
در جایی دود کند جمیع موشان جمع آیند اگر سپر بز را بر نقرس مالد درست کرد اگر گوشت بز را در سرکه
بجوشاند و در گرمابه بخورند هم سود دارد و فربه شود اگر شش گرگ را خشک کند با شیره تازه و با عسل
بیامیزد و بخورد که رفتگی دل را و صبر را ببرد هر که دندان گرگ با خویشتن دارد هیچ گزنده او را نگزد
هر که دندان گرگ با خود دارد و با هر زن که جماع کند آن زن او را دوست دارد چنانچه هرگز از وی جهد
نشکند و سخت بیقرار او گردد و اگر دندان گرگ با کسی بندی که باد فتق داشته باشد آن باد از وی
ببرد و درست گردد اگر شاش گرگ با روغن زیت بجوشاند و در قضیب مالد با هر زنی که جماع کند
بیقرار او شود ابراهیم گوید اگر سپر خروس با سرکه و عسل بخورد که سپرز داشته باشد سپرز را ببرد
ابن بابویه گوید اگر خواهی که خوک جای زیان نرساند خر زین سیاه خورد بکوبید بآب بیامیزد و گرد
بر گرد آن مقام بریزند از بوی خر زیف خوک بحوالی آنجا نگردد و این معنی بسیار آزموده است شاپوری

گوید اگر زنی سرگین خرگوش با خود دارد چند باوی صحبت بدارند آبستن نشوند عبدالله هلال
گوید کر زهرهٔ خرگوش با روغن یاسمن بیامیزد و با زن صحبت دارد آن زن عاشق او شود هاروت
گوید که هر که شکنبهٔ گربه با روغن بریان کند و بعد بوی اندر دهد تا بخورد دیدنک شود هر که خون موش
با زاگ سیاه بیامیزد آنگه بر پیه طلا کند او را منفعت دهد و پاک سازد هر که خارپشت
با شمشیر که آدمی کشته باشد ببرد و بر گردن مصروع بندد دوست گردد در پنجم صباع
مشتمل برد و عمل اول بگیرد زبان گربه سیاه و در زیر کفش یا موزه در میان دو چرم
نهد که نیز ایران ساید و ندبر زمین رسد پس آن کفش را یا موزه بپوشد و بصحرا رود
و تمام سباع و بهایم رام او شوند و مسخر او باشند دویم اگر خواهد که هیچ سگ بر وی
حمله نکند و فروتنی کند و مجموع درندگان مطیع او باشند بگیرند زبان سگ سیاه بدستی
که گفته شد و در زیر کفش یا موزه تعبیه کند مدعا حاصل گردد در اکتحال یعنی سرمه
کشیدن و عجایب دیدن برد و عمل اول دیدن جنیان بگیرد قدری تخم موچید با مغز
مگس سبز آمیخته صلایه کند و بدان اکتحال نماید چون چنین کند جن را معاینه ببیند
دویم در مشاهده عجایب بگیرد زهرهٔ گربه سیاه و در بعضی نسخه خون گربه سیاه گفته
اند بخون خروس هر دو را خشک سازد و صلایه کند چون سرمه در چشم کشد بسیار
عجایب از جن و غیر آن از امور عالم غیب مشاهده کند التماس دعا دارد کاتب روسیاه
محمد حسین ابن محمد علی عریق رحمت یزدان بر آن کسی باد
که کاتب را بالحمدی کند یاد و هو نخواهد شد

۱۲۳۹



